تعامل انسان و اطلاعات، جلد۲ شماره۳
http://hii.khu.ac.ir
مقاله اصیل پژوهشی

رویکردی روش‌شناختی به الگوها و مطالعات اطلاع‌یابی: مقایسه وضعیت داخل و خارج از کشور

رضا مختارپور: کارمند نهاد کتابخانه های عمومی کشور و دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی اهواز (نویسنده مسئول).
rezamokhtarpour@gmail.com
مریم کشوری: کارمند نهاد کتابخانه های عمومی کشور و دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی اهواز.

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله، بنا دارد تا از طریق بررسی روش‌شناختی برخی از شاخص‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه رفتار اطلاع‌یابی در خارج از کشور و تدقیق در مراحل معرفی الگوهای اطلاع‌یابی مورد بررسی، چشم اندازی هر چند مختصر پیش روی پژوهشگران ایرانیِ این حوزه قرارداده و امکان مقایسه وضعیت روش‌شناختی این‌گونه مطالعات را در داخل و خارج از کشور فراهم آورد.
روش: در مطالعه حاضر سعی شده تا به روش اسنادی، و بررسی متونِ نگاشته‌شده در حوزه‌های مرتبط با هریک از الگوهای اطلاع یابی، خاستگاه‌های روش‌شناسانه هر الگو، به صورت جداگانه، مورد تحلیل قرارگیرد.
یافته‌ها: بررسی‌ها حکایت از آن دارد که پژوهشگران ایرانی، در مطالعات اطلاع‌یابی خویش، از سنّت روش‌شناختی حاکم بر پژوهش‌های تأثیرگذار این حوزه، که عمدتاً مبتنی بر رعایت اصل تنوع روش‌شناختی هستند، غافل بوده و رویکردی کلیشه‌ای (و گاه الگوبرداری صِرف از آثار دیگران) را در دستورکار قرارداده‌اند. نکته تناقض‌آمیز قضیه اینجا است که این بی‌اعتنایی، در شرایطی صورت می‌پذیرد که پژوهشگران ایرانی، بارها و بارها در بخش پیشینه مطالعات خود، به پژوهش‌های تأثیرگذار گذشته ارجاع می-دهند بی‌آنکه اندک نگاهی به روش‌های بکارگرفته از سوی آن‌ها داشته باشند.
نتیجه‌گیری: به کمک مطالعه‌ی آثار نگاشته‌شده در زمینه روش و روش‌شناسی‌های پژوهش در امتداد گستره وسیعی از رشته‌های علمی، می‌توان به شیوه‌ی استقرائی، به فهرستی از روش‌های علمی دست‌یافت و آن‌ها را به تناوب، در قالب پژوهش‌های مستقل، به بوته آزمایش نهاد تا میزان توانمندی آن‌ها در مطالعاتی همچون مطالعات کاربران به اثبات برسد. کلید مشکلات موجود، ایجاد تنوع روش‌شناختی است.
کلیدواژه‌ها: رفتار اطلاع‌یابی، روش‌شناسی پژوهش، مطالعات کاربران، الگوهای اطلاع‌یابی، تنوع روش‌شناختی

دریافت:
۸ مهر ۱۳۹۴
ویرایش:
۲ اردیبهشت ۱۳۹۵
پذیرش:
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵

مقدمه

نقطه کانونی مطالعات رفتار اطلاع‌یابی، بررسی فرایند تعامل انسان با اطلاعات است که بیشتر به شکل یک فرایند حل مسئله تجلی می‌یابد. انسان به حکم انسان‌بودن، و بر اساس حس کنجکاوی غریزی، در خلال تکاپو برای پُرکردن شکاف-های ذهنی خود، فرایندی را رقم می‌زند که امروزه در متون تخصصی از آن به رفتار اطلاعاتی (در معنای عام)، و رفتار اطلاع‌یابی (در معنای خاص) تعبیرمی‌شود. ازدیاد تعداد پژوهش‌ها در زمینه رفتار اطلاعاتی کاربران، در واقع، بازنمون تغییر نگرش یا پارادایم از مطالعات نظام‌مدار به مطالعات کاربرمدار است. ریشه و خاستگاه پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی را (البته با اندکی اغماض) به سال ۱۹۴۸، و مقالات ارائه شده در زمینه رفتار اطلاعاتی دانشمندان و متخصصان فناوری در «همایش اطلاعات علمی انجمن سلطنتی انگلستان[1]» نسبت داده‌اند (ویلسون[2]، ۱۹۹۹). پژوهش‌های اطلاع‌یابی، با توجه به حاکمیت رویکرد نظام‌مدار، در آغاز راه، مبتنی بر رویکردهای کمّی و یکجانبه‌گرایانه بود. اما رفته رفته، با تغییر نگرش‌ها از مطالعات نظام‌مدار به کاربرمدار، پای مطالعات کیفی، با محوریت پرداختن به ابعاد شناختی و عاطفی کاربران، نیز به این‌گونه مطالعات باز شد. جدال پژوهشگران کمّی و کیفی بر سر حقّانیت روش‌های علمی، تا بدانجا پیش رفت که عده‌ای رویکرد روش‌شناختیِ جدیدی را تحت عنوان رویکرد ترکیبی به ساحت علم عرضه داشتند. آنچه در این مجال دستمایه کار نویسندگان قرارگرفته، تأکید بر لزوم توجه به تنوع روش‌شناختی در مطالعات اطلاع‌یابی در ایران است.

موضوع فقر بنیان‌های نظری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، موضوعی غیرقابل انکار است. وقتی یکی از ملاک‌های تفکیک علم از غیرعلم، داشتن نظریه تلقی

1. Royal Society Scientific Information Conference

2. Wilson

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

می‌گردد، طبیعی است که رشته‌هایی همچون علم اطلاعات، که به مثابه یکی از علوم اجتماعی، با تفسیر، و نَه اثبات پدیده‌ها (البته از نوع علوم طبیعی) سر و کار دارند، بیش‌ترین فشارها را در این بین از سوی گروه‌های منتقد دریافت می‌دارند. این در حالی است که، بررسی اجمالی متون نگاشته‌شده در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، از استیلای بی‌چون و چرای مدل‌ها و نظریه‌ها در حوزه رفتارهای اطلاعاتی حکایت دارد (برای کسب اطلاعات بیش‌تر در این زمینه، رجوع کنید به دو کتاب کارن فیشر[3] (۱۳۸۷) و دونالد کیس[4] (۱۳۹۳)، و این، به نوعی تأییدکننده این اعتقاد تام ویلسون است که «صرف‌نظر از مباحث بازیابی اطلاعات، تاکنون هیچ یک از موضوعات علم اطلاعات به اندازه مطالعات کاربرمدار، هدف تحقیق پژوهشگران قرارنگرفته است» (ویلسون، ۱۹۸۱). به زعم نگارندگان، بخش عمده‌ای از این موضوع، از عقبه قویِ پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، به ویژه از سوی چهره‌های سرشناسی همچون تام ویلسون نشأت پذیرفته است و اعتقاد ما بر این است که بررسی و تدقیق در جنبه‌های روش‌شناختی الگوهای رفتار اطلاعاتی (در معنای عام) و الگوهای رفتار اطلاع‌یابی (در معنای خاص)، می‌تواند به نوعی، راه را برای انجام پژوهش‌های اینچنینی در دیگر حوزه‌های مطالعاتی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، و در نتیجه، ارائه مدل‌ها و نظریه‌های جدید، بگشاید.

بادن[5] (۱۳۸۸)، ضمن اشاره به نقش سهولت و سادگی الگوی اطلاع‌یابی ویلسون در فراگیرشدن آن، به این نکته بسیار مهم اشاره داشته که چنین الگوهایی، زمینهٔ شکل‌گیری مبانی آموزش و تعلیم موضوعاتی از این دست را فراهم می‌آورد. ویلسون (۱۹۹۹)، خود، یکی از انتقادات وارده به پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی را عدم توجه پژوهشگران به مطالعات پیشین در جهت طراحی چارچوبی نظری برای آغاز پژوهش‌های بیش‌تر، می‌داند. از دید وی راز ماندگاری مدل‌ها و نظریه‌های افرادی همچون، دروین[6]، الیس[7]، کولثاو[8] و ویلسون، مبنا قرارگرفتن آن‌ها به عنوان الگویی برای انجام مطالعات بیش‌تر است (همانجا). در واقع، ویلسون اعتقاد بر این دارد که پژوهشگران، باید به جای تلاشِ بیش‌تر برای ارائه الگوهای جدید، به تدقیق در ماهیت الگوهای گذشته، و تکمیل آن‌ها بپردازنند. با یک نگاه بدبینانه، بادن (۱۳۸۸)، عدم اقبال پژوهشگران به بازبینی و تدقیق در الگوهای پیشین (در عین استناد به آن‌ها) را این گونه تفسیر نموده که «شاید ... پژوهشگران، انتشار و گسترش الگوهای مخصوص به خود را نوعی منزلت علمی برای خود تلقی می‌کنند و به همین دلیل از تصدیق و اصلاح الگوهای دیگران سر باز می‌زنند». گرچه در متون انگلیسی، به مبحث تحلیل محتوای مطالعات صورت گرفته در زمینه رفتار اطلاعاتی پرداخته شده و در آن‌ها بخش کوچکی نیز به تحلیل روش های مورد استفاده اختصاص داده شده است که از جمله شاخص ترین آن ها می توان به سلسله مطالعات جولین و همکاران[9] وی اشاره داشت، با این حال، وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعاتی از این دست، نگاه عمیق و روش شناختی آن است که عمدتاً با محوریت بررسی روش شناختیِ الگوهای اطلاع یابی شاخص صورت پذیرفته است. برای مثال، در پژوهش های جولین و همکاران وی، هرگز به سنت روش شناختی مطالعات پایه در حوزه رفتارهای اطلاع یابی پرداخته نشده و در نتیجه، امکان مقایسه وضعیت فعلی با رویکرد روش شناختی مطالعات گذشته برای خواننده تدارک دیده نشده است. آنچه در این مطالعات عمدتاً مد نظر بوده، مقایسه وضعیت پژوهشگران و حرفه‌مندان[10] از لحاظ روش‌های پژوهش مورد استفاده آن‌ها بوده است[11].

نتایج بررسی‌های نگارندگان در متون فارسی حکایت از آن دارد که به رغم انجام مطالعات فراوان در زمینه بررسی ماهوی الگوهای اطلاع‌یابی، تاکنون هیچ مطالعه‌ای در زبان فارسی با رویکرد و محوریت بررسی روش‌شناختی این‌گونه الگوها صورت نپذیرفته و همین موضوع از اهمیت و ضرورت مقاله حاضر حکایت دارد. در واقع، مطالعه حاضر، در راستای پاسخ به این دغدغه صورت پذیرفته و انتظار می‌رود نتایج آن

3. Fisher
4. Case
5. Bawden
6. Dervin
3. Elis
4. Kuhlthau

9 . Julien
10 . Practitioners

۱۱ . برای کسب اطلاعات بیش تر در این زمینه رجوع کنید به:
Julien H. (1997). A content analysis of the recent information needs and uses literature. Library & Information Science Research, 18 (1), 53-65.
Julien H., Duggan LJ. (2000). A longitudinal analysis of the information needs and uses literature. Library & information science research, 22 (3), 291-309.
Julien H, Pecoskie JJ, Reed K. (2011). Trends in information behavior research, 1999–2008: A content analysis. Library & Information Science Research, 33(1), 19-24.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

به لحاظ روش‌شناختی، پژوهشگران ایرانی را بر آن دارد تا ضمن بازنگری در روش‌های پژهش‌های اطلاع‌یابی خود، بسترهای لازم را برای ظهور الگوهای جدید اطلاع‌یابی، یا دست‌کم، تکامل الگوهای قبلی، فراهم آورند. و اما در انتهای این بخش، به جمله‌ای درخور توجه از اسکات پول و مک-فی[12] (۱۹۹۴، ص ۴۳) اشاره می‌شود که: «به مانند هرکول پوآرو، کارآگاه افسانه‌ای آگاتا کریستی، کارآگاه اجتماعی[13] باید روش مؤثری داشته باشد؛ چون روش، نقطه‌ی تماس یک شخص با دنیا است. انواع سازه‌ها و گزاره‌ها در نظریه‌های ما، همچنین درجه اطمینانی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد، همه بستگی به مجموعهِ روش‌شناختی ما دارد» (به نقل از کیس، ۱۳۹۳، ص ۳۵۵).

روش

در مطالعه حاضر، همانگونه که در سطور قبل اشاره شد، سعی شده تا به روش اسنادی، و بررسی متونِ نگاشته شده در حوزه‌های مرتبط با هریک از الگوهای اطلاع‌یابی، خاستگاه-های روش‌شناسانه هر الگو، به صورت جداگانه، مورد تحلیل قرارگیرد و سپس میان سنت روش‌شناختی الگوهای اطلاع-یابی و وضعیت حاکم بر این‌گونه مطالعات در داخل از کشور، ارتباط متناظر برقرار گردد. در گزینش و بررسی مدل‌های بررسی‌شده در مقاله حاضر، از دسته‌بندی ویلسون (۱۹۹۹)، با محوریت مدل‌ها (و نه نظریه‌های) رفتار اطلاع‌یابی، بهره‌گرفته شده است. انتخاب دسته‌بندی ویلسون از این بابت صورت پذیرفته که مقاله وی با عنوان «الگوهای پژوهش رفتار اطلاع‌یابی[14]»، اولین و پراستنادترین مطالعه در حوزه الگوهای اطلاع‌یابی به حساب می‌آید. از سوی دیگر، تمام الگوهای مورد اشاره و استفاده در این مقاله نسبت به سایر الگوها تکامل و توسعه بیشتری یافته‌اند و بیشتر از سایر الگوها مورد استفاده و استناد بوده‌اند. الگوی ویلسون (همانگونه که در ادامه خواهیم دید) زیربنای سایر الگوها است که به مرور زمان در این حوزه ارائه شده است. الگوی کولثاو حاصل بیست سال تجربه عملی کولثاو در رابطه با دانش‌آموزان و دانشجویان آمریکاست و الگویی است که در آن بر مشاهده و تجربه تأکید فراوانی شده است و جنبه‌های مختلف احساسی و عاطفی کاربر را در تمام فرایند اطلاع‌یابی مد نظر قرار داده است. الگوی دروین نیز مبتنی بر مکتب معنابخشی دروین است که تاکید فراوانی بر جنبه ذهنی اطلاعاتی کاربر و معنا بخشیدن به دنیا توسط کاربر دارد. و بر این باور است که کاربر در جستجوی معناست. الگوی مشابه دیگری در این زمینه وجود ندارد. «الگوهای فرایندهای جستجو توسط الیس و کولثاو در سطح جهانی در هر حوزه‌ای کاربرد دارند و هر کدام از این الگوها مجموعه‌ای از مراحل یا رفتارهای شناختی را توصیف می‌کنند» (کیس، ۲۰۰۶، ترجمه بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۳).

با این توضیح، به خوبی روشن می‌شود که نظریه‌های رفتار اطلاعاتی، از دایره پژوهش حاضر خارج بوده و با توجه به گستره موضوع، خود به تنهایی پژوهشی مجزا را می‌طلبد. نگارندگان، پس از شناسایی و دسترسی به مطالعات مرتبط با هر الگو، به روش تحلیل محتوا، مهم‌ترین نکات روش‌شناختی و سیر تکوین هر الگو را شناسایی، و سپس نتایج بررسی‌های خود را برای سهولت در درک خوانندگان، در قالب جدول ارائه-نموده اند. در ادامه، به منظور فراهم نمودن امکان مقایسه میان وضعیت داخل و خارج از کشور، مطالعات مروری صورت‌گرفته در حوزه رفتارهای اطلاع‌یابی ایران ملاک عمل نگارندگان قرار گرفت. در بررسی هر الگو، دو نکته مدّنظر نگارندگان قرارگرفته است: ۱) شناسایی پژوهش‌ها و عواملی که پیدایش الگو را رقم زده است؛ و ۲) شناسایی روش‌های پژوهشی که پیش از ارائه هر الگو، از سوی ارائه‌دهندگان آن‌ها به مورد اجرا نهاده شده است.

پرسش‌های تحقیق

شالوده مطالعه حاضر، بر مبنای چهار پرسش بنیادین شکل-گرفته که گرچه شاید نتوان در قالب یک مقاله نظری، به تمامی ابعاد آن‌ها پاسخ گفت، اما به زعم نگارندگان، می‌توان از این طریق، حتی در حدّ طرح موضوع، راه را برای انجام پژوهش‌های عمیق در این زمینه گشود. پرسش‌های بنیادین در بحث بررسی و مقایسه وضعیت روش‌شناختی مطالعات اطلاع‌یابی در داخل و خارج از کشور را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- در مطالعات اطلاع‌یابی خارج از کشور، چه ساختارها و رویکردهایی به لحاظ روش‌شناختی برای مطالعه رفتار کاربرانِ اطلاعات مدنظر قرارگرفته شده است؟

12 . Scott Poole & McPhee
13 . Social Detective
14. Models in information behavior research

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

۲- مطالعات اطلاع‌یابی ایران تا چه حد با روح روش‌شناختی حاکم بر مطالعات و الگوهای اطلاع‌یابیِ مورد بررسی در خارج از کشور منطبق است؟

۳- در صورت عدم انطباق میان وضعیت روش‌شناختی مطالعات داخل و خارج از کشور، چه دلایلی می‌توان برای این ناهمسانی، البته با محوریت مطالعات اطلاع‌یابی در ایران، اقامه نمود؟

۴- راهکارهای پیشنهادی برای بُرون‌رفت از وضعیت موجود چیست؟

در متون نگاشته‌شده در زمینه الگوهای اطلاع‌یابی (به ویژه در ایران)، کمتر متنی را می‌توان سراغ‌گرفت که در کنار پرداختن به فرایند و مراحل اطلاع‌یابی جستجوگران اطلاعات، به پیشینه روش‌شناختی این‌گونه مطالعات و روش‌هایی که به شکل‌گیری این‌گونه الگوها انجامیده نیز پرداخته باشد. نگارندگان، برای پاسخگویی به سؤال نخست تحقیق، پس از بررسی پیشینه روش‌شناختی چهار مورد از الگوهای اطلاع‌یابی شناخته‌شده جهان، وضعیت حاکم بر مطالعات اطلاع‌یابی ایران را موردکنکاش قرارداده‌اند.

الگوهای اطلاع‌یابی: رویکردی روش‌شناختی

۱- الگوی ویلسون، ۱۹۸۱، ۱۹۹۶: اقدام‌پژوهی و مطالعه موردی

قریب به ۳۵ سال از زمان انتشار نسخه اولیه الگوی اطلاع یابی ویلسون در سال ۱۹۸۱ می‌گذرد و الگوی یادشده در این سال‌ها، بالغ بر صدها بار در مجلات پایگاه های آی. اس. آی، و به دفعات در کتاب‌ها، گزارش‌ها و خلاصه مقالات همایش‌ها مورد استناد قرارگرفته؛ و از بررسی مقالات استناد داده شده به مقالهٔ ویلسون، این‌گونه برمی‌آید که مقالهٔ یادشده، پژوهش‌های اطلاعاتی را از دو جنبهٔ نظری و عملی تحت تأثیر قرارداده است (بادن، ۱۳۸۸). مهمترین مشخّصهٔ این الگو، توجه ویلسون به آن دسته از قشرهایی است که در نظام‌های اطلاعاتی غیررسمی، همچون بنگاه‌های معاملات ملکی و مراکز فروش خودرو، به عرضه و ارائه اطلاعات می‌پردازند و نقطه کانونی آن نیز، معرفی خاستگاه‌های نیاز اطلاعاتی کاربران با محوریت نیازهای فیزیکی، شناختی و عاطفی است. اما آنچه که از نگاه پژوهش حاضر در زمینه مدل ویلسون حائز اهمیت است، تدقیق در رویکرد روش‌شناختی ویلسون به موضوع رفتار اطلاع یابی، و گونه‌شناسی پژوهش‌ها و رویکردهای ایشان پیش و پس از ارائه الگو است. آنچه مسلم است، این مدل مفهومی، در خلأ ظهور نیافته و بر اساس واقعیت‌های بیرونی شکل‌گرفته است. برای پی‌بردن به روند شکل‌گیری الگوی ویلسون، و شناسایی بنیان‌های روش‌شناختی آن، به قبل از سال ۱۹۸۱ برمی‌گردیم.

شواهد امر حکایت از آن دارد که بنیان عملیاتی الگوی اطلاع-یابی سال ۱۹۸۱، چند سال پیش از این تاریخ، یعنی در سال ۱۹۷۵ به دنبال اجرای پروژه پنج ساله‌ای موسوم به «اینیس[15]»، و بنیان نظری آن، بنابر اذعان خود ویلسون، در زمان ایراد سخنرانی وی در همایش دانشگاه مریلند[16] در سال ۱۹۷۱ بنیان نهاده شد (ویلسون، ۲۰۰۵). پروژه اینیس، با حمایت مالی کتابخانه بریتانیا، در دو مرحله، با محوریت مطالعه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی کارگران و مدیران مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی در کشور انگلستان به مورد اجرا نهاده شد. در فاز نخست، ۲۵ کارمند (اعم از مدیر و کارگر) در حین کار، به شیوه غیرمشارکتی، مورد مشاهده قرارگرفتند. فاز دوم طرح اینیس نیز مشتمل بود بر انجام مصاحبه ساخت‌یافته با ۱۵۱ کارمند از چهار مؤسسه خدماتی مختلف (برای کسب اطلاعات بیش‌تر، رجوع کنید به ویلسون و استریتفیلد[17]، ۱۹۷۷؛ ویلسون و همکاران، ۱۹۷۹). شروع همکاری ویلسون و استریتفیلد در قالب طرح مطالعاتی اینیس، بر پایه دو پیش‌فرض در خصوص شرایط حاکم بر فضای پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی تا آن زمان استوار بود: نخست آنکه، مطالعات قبلی در حوزه نیازهای اطلاعاتی یا استفاده از اطلاعات، بیشتر با محوریت بررسی دیدگاه کتابداران (و نه کاربران) صورت پذیرفته؛ و دوم آنکه، پژوهش‌های کتابخانه‌محورِ پیشین، بیشتر با بهره‌گیری از پرسشنامه‌های ساخت‌یافته و پُستی صورت پذیرفته، که این خود، موجبات نادیده‌گرفتن علل بُروز رفتار کاربران، و در نتیجه، توصیفِ صِرف رفتارها را در پی داشته است. عدم توان کافی در آزمون فرضیه‌ها[18]، فقدان تحلیل‌های تبیین‌گر[19]، و

15. Information Needs and Information Services in Local Authority Social Services Departments (INISS)
16. University of Maryland
17. Streadfield
18. Hypothesis-testing
19. Explanatory analysis of Data

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

عدم برخورداری از نتایج عملیاتی، مهم‌ترین مواردی است که ویلسون و استریتفیلد به عنوان کاستی‌های پژوهش‌های پیش از پروژه اینیس در حوزه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی، بدان‌ها اشاره داشته‌اند (ویلسون و استریتفیلد، ۱۹۷۷).

از فحوای کلام ویلسون در مقالات مختلف یک نکته بسیار مهم در خصوص وضعیت مطالعات رفتار اطلاعاتی قابل-تشخیص است و آن دغدغه وی نسبت به کاستی‌های روش-شناختی و بعضاً اتخاذ نگاه‌های یکسویه نسبت به روش‌های پژوهش در زمینه رفتار اطلاع‌یابی است: حاکمیت سنت اثبات-گرایانه در قالب حمایت از روش‌های پژوهش کمّی و عدم همخوانی کامل این‌گونه روش‌ها با روح مطالعات مربوط به رفتار انسان‌ها، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که ویلسون برای عدم پیشرفت مطالعات رفتار اطلاع‌یابی مطرح‌می‌سازد (برای اطلاعات بیشتر، رجوع کنید به ویلسون،۱۹۹۴، ۱۹۹۹، ۲۰۱۰). ویلسون و همکاران مطالعاتی وی در پروژه اینیس، برای جبران کاستی‌ها، بر آن شدند تا طرحی نو (یا به تعبیر ویلسون، ۲۰۱۰، طرحی غیرمعمول) در زمینه روش پژوهش در حوزه رفتار اطلاع‌یابی دراندازند و برای نیل به این هدف خود، دو نوع روش پژوهش، و یک روش گردآوری داده جدید را برای کار خود به خدمت گرفتند: اقدام پژوهی[20]، مطالعه موردی، و مشاهده ساخت‌یافته و غیرمشارکتی[21] (جدول ۱).

ویلسون و استریتفیلد، در طرح جدید، بررسی رفتار اطلاع‌یابی کارگران و مدیران خدمات اجتماعی را جایگزین پژوه ش-هایی ساختند که تا پیش از آن بیشتر با محوریت دانشمندان در محیط‌های دانشگاهی صورت می‌پذیرفت و چون پرسشنامه را برای بررسی دقیق ارتباط میان فعالیت روزمره کارگران و نیازهای اطلاعاتی آن‌ها ناکارآمد و توصیف‌محور می‌دانستند، روش مشاهده را جایگزین پرسشنامه ساختند. از آنجایی که گردآوری داده‌ها به روش مشاهده، فرایندی وقت‌گیر و هزینه‌بر است، ویلسون و همکاران وی بر آن شدند تا به جای تعیین یک جامعه آماری بزرگ، نمونه‌های خود را با روش‌های غیرمعمولِ نمونه‌گیری برگزینند؛ و این‌گونه بود که پای مطالعات موردی و تحلیل‌های آماری غیرپارامتریک به میدان پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی باز شد.

ویلسون (۱۹۸۱ ب)، نیاز اطلاعاتی را مفهومی کاملاً ذهنی و نسبی می‌داند که هیچ نمودی در بیرون از ذهن جستجوگر، نمی‌توان برای آن متصور شد. بنابراین، از دید وی، آنچه نمود بیرونی و عینی دارد، رفتاری است که فرد در خلال فرایند جستجوی اطلاعات از خود بُروز می‌دهد. وی، چهار روش را برای بررسی رفتار اطلاع‌یابی کاربران برمی‌شمارد (نمودار ۱) اما در نهایت، از لحن کلام ویلسون این‌گونه برمی‌آید که چون در مطالعات اجتماعی، لازم است شناخت عمیقی نسبت به اوضاع و احوال کاربر در زمینه واقعی، در ذهن پژوهشگر ایجاد شود، نمی‌توان صرفاً به پرسشنامه یا حتی مصاحبه، (دست‌کم در مراحل آغازین پژوهش) اکتفا نمود و باید اساس کار را بر روی مشاهده کاربران در شرایط واقعی قرارداد. ویلسون، از این مرحله از مراحل گردآوری اطلاعات در مطالعات اطلاع‌یابی، به مرحله کسب «دانشِ مختص‌به‌مکان »، تعبیرنموده است (ویلسون، ۱۹۸۱ب).

تا پیش از سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰، پژوهش‌های رفتار اطلاعاتی، بیشتر با محوریت بررسی میزان استفاده از نظام (و نه رفتار کاربران) صورت می‌پذیرفت (ویلسون، ۲۰۰۰). ویلسون و همکارانش در پروژه اینیس، علاوه بر آنکه مطالعه رفتار کاربران را در کانون توجه قراردادند، با بهادادن به روش های پژوهش کیفی، پای این‌گونه مطالعات را نیز به عرصه‌ی پژوهش‌های اطلاع‌یابی بازکرده‌اند. پژوهش‌های کیفی، متأثر از پارادایم طبیعت‌گرایانه، با توجه به تأکیدی که بر ادراک پدیده‌ها در شرایط واقعی و طبیعی دارد، می‌تواند بینش لازم را برای تجارب اطلاع‌یابی فراهم آورد (پاول، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲). ویلسون و همکاران وی به خوبی دریافته بودند که تغییر پارادایم از مطالعات نظام‌مدار به مطالعات کاربرمدار، مستلزم بهره‌گیری از مطالعات کیفی در کنار مطالعات کمّی است و در نتیجه اساس طرح مطالعاتی، و همینطور، مدل اطلاع‌یابی خود را بر پایه بکارگیری روش‌های کیفی بنیان نهادند.

ویلسون و استریتفیلد، در توجیه دلایل انتخاب روش اقدام پژوهشی برای طرح مطالعاتی خود، می‌نویسند: انتخاب شیوه اقدام‌پژوهشی، مبتنی بر این باور بوده که، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های حوزه اطلاعات– رفتار، به دلیل عدم کاربست و ارزیابی نتایج این‌گونه پژوهش‌ها از سوی پژوهشگران در مقام عمل، تا حدودی، عقیم و مبهم باقی مانده است. بکارگیری روش اقدام‌پژوهشی، این ایده را در آغاز پژوهش به ذهن

20. Action Research
21. Structured and Non-participant Observation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

جدول ۱: وضعیت روش‌شناختی پژوهش‌های اطلاع‌یابی پیش و پس از پروژه اینیس (۱۹۷۷).

پیش از اجرای پروژه	در حین اجرای پروژه
• بررسی دیدگاه کتابداران بجای کاربران • استفاده از پرسشنامه های خوداظهاری و پستی • عدم توجه به علل بُروز رفتار ها و توصیف صِرف از آن ها • عدم توان کافی در آزمون فرضیه ها • فقدان تحلیل های تبیین گر • عدم برخورداری از نتایج عملیاتی • تمرکز بر مطالعه رفتار مهندسان و دانشمندان در محیطهای علمی، به جای توجه به زندگی روزمره	• بکارگیری روش اقدام پژوهی • بکارگیری روش مطالعه موردی • آزمون فرضیه ها با تحلیل های آماری غیرپارامتریک • استفاده از روش مشاهده ساخت یافته و غیرحضوری • نوآوری های آزمون پذیر • شناسایی فعالیتهای روزمره جامعه پژوهش به منظور درک رابطه موجود میان کار و نیاز اطلاعاتی کاربران • مشاهده رفتار کارگران در خلال زندگی روزمره و محیطهای غیررسمی

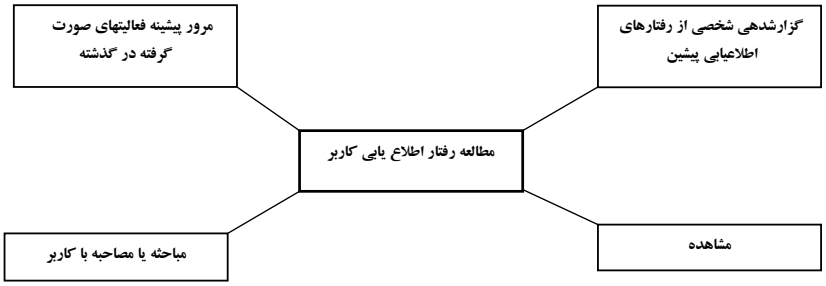

نمودار ۱: الگوی روش‌شناختی ویلسون در مطالعات رفتار اطلاع‌یابی

متبادر خواهد ساخت که فرایند گردآوری داده‌ها و مراحل تحلیل آن‌ها باید در نهایت، به نوآوری‌های آزمون‌پذیر در درون سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات اطلاعاتی، و نظام‌های اطلاعاتی بیانجامد (ویلسون و استریتفیلد، ۱۹۷۷).

ویلسون، در سال ۱۹۹۶، با اذعان به ماهیت میان‌رشته‌ای پژوهش‌ها در زمینه نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاع-یابی کاربران، از طریق «مرور» و بازبینی نتایج پژوهش‌های حوزه های روانشناسی، رفتار مصرف‌کنندگان، مناسبات پزشکی، تصمیم‌گیری‌های سازمانی، و ملزومات اطلاعاتیِ طراحی نظام‌های اطلاعاتی، الگویی عمومی برای رفتار اطلاعاتی کاربران ارائه‌نمود که در واقع نسخه بازبینی‌شده مدل ۱۹۸۱ به شمارمی‌آید (ویلسون، ۱۹۹۶). مدل دوم ویلسون، بر خلاف مدل اول، صرفاً بر اساس مرور نتایج دیگر پژوهش‌های اطلاع-یابی صورت‌پذیرفته، و در واقع ویلسون با این کار نشان داد که، می‌توان با تدقیق در یافته‌های دیگر پژوهش‌ها، بدون نیاز به اجرای طرح مطالعاتی، الگوهای اطلاع‌یابی گذشته را مورد بسط و جرح و تعدیل قرارداد و آن‌ها را در محیط‌های اطلاعاتی جدید بکاربست.

۲- مدل کولثاو (۱۹۸۳-۱۹۸۹): استفاده از رویکردهای ترکیبی

ردیابی پیشینه مدل اطلاع‌یابی شش مرحله‌ای کولثاو، حکایت از آن دارد که وی برای معرفی مدل نهایی خود، پنج طرح مطالعاتی مختلف را در دوره‌های زمانی مختلف به مورد اجرا نهاده است.کولثاو، در نخستین گام، فرایند پژوهش کتابخانه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه را با تأسی از نظریه سازه جرج کِلی ، در قالب یک مطالعه کوچک‌مقیاس و در یک محیط طبیعی، موردبررسی قرارداد و توانست مدل فرایند جستجوی اطلاعات خود را تدوین نماید. مدل یادشده، در گام بعد، از طریق دو مطالعه طولی به آزمون نهاده شد. نتایج حکایت از آن داشت که مدل شش مرحله‌ای جستجوی اطلاعات در مورد این گروه خاص از آزمودنی‌ها با گذر زمان، ثابت بوده است. در نهایت، کولثاو بر آن شد تا به کمک دو مطالعه میدانی بزرگ-مقیاس و بکارگیری روش‌های کمّی و تحلیل‌های آماری، مدل خود را به اثبات برساند (کولثاو، ۱۹۹۱). هر پنج مطالعه، ماهیتی میدانی داشته و بر روی کاربران واقعی کتابخانه‌ها (که اغلبِ آن‌ها را دانشجویان دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان مقطع متوسطه تشکیل می‌دادند) به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

اجرا نهاده شد. کولثاو خود به صراحت، به استفاده از روش‌های ترکیبی جهت بکارگیری نظریه‌های روانشناختی در مدل خود اذعان داشته، و روش‌های سنتی پژوهش در زمینه رفتار اطلاع‌یابی را برای بررسی تجارب شخصی کاربران ناکارآمد دانسته است: تغییر [پارادایم] به سمت کاربر، و جنبه‌های کل نگرانه استفاده از اطلاعات، مستلزم روش‌هایی است که بتواند فرایندهای درونی را که با روش-های کمّی قابل‌اندازه‌گیری نیستند، آشکارسازد... مشکلات پژوهش ... را بهتر می‌توان با روش‌های کیفی با هدف ارائه فرضیه‌های آزمون‌پذیر، موردبررسی قرارداد و سپس، برای اندازه‌گیری و تأیید آن‌ها به روش‌های کمّی‌تر متوسل شد (کولثاو، ۱۹۹۳). کولثاو، در مدل فرایند جستجوی اطلاعات خود، ضمن تأثیرپذیریِ آشکار از رویکرد معنابخشی دروین و مطالعات افرادی همچون بورگمان، بلکین و ویلسون، فرایند جستجو و استفاده از اطلاعات را از منظر نگاه کاربر (و نه سیستم اطلاعاتی)، موردتأکید قرارداده است (کولثاو، ۱۹۹۳). وی مدل اطلاع‌یابیِ مبتنی بر رویکرد معنابخشی را مستلزم توجه به سه نوع فعالیت دانسته است: فیزیکی (فعل و انفعال کاربر)؛ عاطفی (احساسات بُروزداده شده)؛ و شناختی (افکار مربوط به فرایند و محتوا). مهم‌ترین ویژگی‌های عملیاتی پنج طرح مطالعاتی کولثاو در جدول ۲ نشان داده شده است.

کولثاو کار خود را با روش‌های کیفی آغاز نمود و رفته رفته بر آن شد تا با تعمیم یافته‌های خود به کمک پیاده‌سازی روش های آماری و جامعیت‌بخشیدن به دامنه آزمودنی‌های پژوهش، بر آن‌ها مهر تأیید بزند. نکته بارز در سیر مطالعاتی مدل کولثاو، استفاده مکرّر از پژوهش‌های طولی با محوریت یک جامعه آماری واحد است. در واقع، از دید کولثاو، ارائه مدل اطلاع یابی، نقطه شروعی است برای انجام مطالعات بیش‌تر و عمیق-تر.

کولثاو، به روش‌های کیفی، نه به عنوان جایگزین، که ابزاری مکمل برای عمق‌بخشیدن به مطالعات اطلاع یابی نگریسته و در بیان ویژگی‌های این دو رویکرد و کاربرد آن‌ها در مطالعات اطلاع‌یابی می‌نویسد: «روش-های کیفی، شیوه‌هایی برای کنکاش و بررسی یک مشکل و ارائه فرضیه‌های آزمون‌پذیر بدست می‌دهد... [در حالی که] روش‌های کمّی، امکان بازبینی نتایج و آزمون فرضیه‌ها را فراهم‌می‌آورد» (کولثاو، ۱۹۹۳).

از دیگر وجوه مطالعات کولثاو، بهره‌گیری وافی و کافی از نظریه‌های روان‌شناختی موجود، به ویژه نظریه‌های افرادی همچون جان دیویی و جرج کلی در حوزه رفتار اطلاع‌یابی است (فیشر، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). در واقع این موضوع ، به زعم نگارندگان، ضمن تثبیت اهمیت ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات اطلاع‌یابی، می‌تواند به نوعی، بیانگر اهمیت توجه پژوهشگران به چارچوب‌های نظری و مفهومی در مطالعاتی از این دست باشد. همانگونه که در مدل برندا دروین نیز خواهیم دید، با ورود رویکردهای کاربرمدار و تأکید بر شناخت دنیای درونی کاربر در حین جستجوی منابع اطلاعاتی، رفته رفته پژوهشگران این حوزه (دست‌کم در خارج از کشور) دریافتند که با روش‌های کمّیِ صِرف نمی‌توان ماهیت فرایندهای جستجوی اطلاعات کاربران را آنگونه که باید مورد مداقه قراردهند.

۳- مدل دروین (۱۹۷۲، ۱۹۸۳، ۱۹۹۶): رویکرد معنابخشی (کمّی و کیفی)

اهمیت مدل، یا چارچوب نظری برندا دروین در حوزه مطالعات اطلاع‌یابی، بیش از هر چیز، مرهون معرفی رویکردی است که از آن در متون تخصصی، تحت عنوان «معنابخشی» یاددشده است. گرچه دروین (۱۹۹۲، ص ۶۱) خود در بین تعابیر مختلفِ مُنتسب به رویکرد معنابخشی (از جمله، نظریه، روش، روش-شناسی)، همه را حائز شرایط دانسته، اما ویلسون (۱۹۹۹)، در مقاله‌ای که در آن به مرور مدل‌های اطلاع‌یابی پرداخته، رویکرد دروین را در زمره یکی از اصلی‌ترین مدل‌های اطلاع یابی قرارداده است. معنابخشی، به تعبیر دروین «نوعی روش شناسی تعمیم‌پذیر است که با هدف مطالعه تمامی موقعیت هایِ دربرگیرنده تعاملات انسانی، طراحی گردیده است» (دروین، ۱۹۹۲، ص ۶۸).

مهم‌ترین ویژگی مدل دروین، به تعبیر ویلسون (۱۹۹۹)، رویکرد روش‌شناختی وی است. مدل دروین، به لحاظ فلسفی، با توجه به روش‌شناسی ترکیبی بکاررفته در آن، در حد فاصل دو پارادایم اثبات‌گرا و تفسیرگرا قرارمی‌گیرد (اودهیامبو و دیگران، ۲۰۰۳). دروین، درگردآوری اطلاعاتِ موردنیاز برای تکوین رویکرد معناشناختی خویش، از یک روش هسته (مصاحبه حضوری) با چهار روش فرعی به نام های زیر بهره گرفته است: ۱) جدول زمانی کوتاه‌لحظه، ۲) جدول زمانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

جدول ۲: سیر مطالعاتی الگوی شش مرحله‌ای کولثاو از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹.

مطالعه	سال	نوع و گستره	مراحل روش شناختی مطالعه	هدف
مطالعه نخست	۱۹۸۳	کوچک مقیاس؛ کیفی	انتخاب ۲۶ دانش آموز سال آخر مقطع متوسطه؛ انتخاب موضوع پژوهش به اختیار دانش آموزان برای هر ترم تحصیلی؛ الزام دانش آموزان به ثبت احساسات و منابع اطلاعاتی مورد مشورت خود در حین جستجو در کتابخانه؛ طراحی یک پرسشنامه در مقیاس پنج نقطه ای لیکرت به منظور سنجش سطح شناخت دانش آموزان از اجزای شش گانه استفاده از کتابخانه؛ اجرای مطالعات موردی بر روی شش نفر از آزمودنی ها به منظور بررسی صحّت داده های گردآوری شده در مراحل قبلی از طریق انجام مصاحبه های ۴۵ دقیقه ای؛ الزام دانش آموزان به توصیف روند پیشرفت جستجوها و ترسیم مراحل اقدامات انجام شده در قالب نمودار؛ تحلیل محتوای مراحل قبلی، و ارائه مدل.	پیشنهاد الگوی جستجوی اطلاعات
مطالعه دوم	۱۹۸۸	طولی؛ کیفی	مطالعه درصد تغییرات صورت گرفته در سطح دریافت آزمودنی های مطالعه نخست بعد از گذشت چهار سال تحصیل در دانشکده؛ بهره گیری از ابزار پرسشنامه؛ مقایسه پاسخ های فعلی و قبلی و تعیین درصد اختلاف از طریق آزمون تی.	آزمون مدل پیشنهادی بعد از گذشت چهار سال به منظور تعیین عامل زمان و شناسایی میزان تغییرات
مطالعه سوم	۱۹۸۸	طولی؛ کیفی	انجام مصاحبه با چهار نفر از شش نفر آزمودنی مطالعه نخست بعد از چهار سال تحصیل در مقطع کارشناسی طی برگزاری جلسات یک ساعته به منظور کسب اطمینان از تغییرات صورت گرفته در نوع نگاه آزمودنی ها نسبت به فرایند جستجو در طول زمان	آزمون مدل پیشنهادی بعد از گذشت چهار سال به منظور تعیین عامل زمان و شناسایی میزان تغییرات
مطالعه چهارم	۱۹۸۹	پیمایش؛ کمی	انتخاب ۱۴۷ دانش آموز سال آخر متوسطه در قالب شش مدرسه مجزا، تعیین موضوع پژوهش، آزمون نتایج به کمک آزمون تی و ضریب همبستگی پیرسون	اجرای مدل در ابعاد وسیع به کمک روش های آماری جهت تأیید نهایی
مطالعه پنجم *	۱۹۸۹	پیمایش؛ کمی	انتخاب ۳۸۵ کاربر از ۲۱ کتابخانه عمومی دانشگاهی و آموزشگاهی	پیاده‌سازی مدل جستجوی اطلاعات برای اولین بار بر روی کاربران کتابخانه‌های دانشگاهی و عمومی

تلخیص‌شده، ۳) زنجیره کمک، و ۴) پیغام / کیو- اینگ. جدول ۳ ناظر به توضیحات تکمیلی هر یک از این روش‌ها است.

ویژگی مهم این روش مطالعاتی در این است که آزمودنی در آن در نقش یک همکار پژوهشی ظاهرمی‌شود. در این حالت، آزمودنی، ضمن مشارکت در یک فرایند طولانی، به لحاظ بسیاری از ابعاد رویکرد مصاحبه، تحت آموزش قرارمی‌گیرد. نکته‌ای که می‌توان در خصوص رویکرد روش‌شناختی دروین مطرح‌ساخت، ایجاد تنوع در روش گردآوری اطلاعات (در اینجا مصاحبه) است. گرچه دروین درگردآوری اطلاعات مورد نیاز خود از روش کیفی بهره‌گرفته، اما نکته اینجا است که نتایج بدست‌آمده را می‌توان به هر دو شکلِ کیفی و کمّی تحلیل نمود (فُرمان-ورنت[22]، ۲۰۰۳، ص ۱۴). دروین، خود در این خصوص می‌نویسد: *«رویکرد معنابخشی، هر دو شکل از مصاحبه‌های کمّی و کیفی، اعم از مصاحبه عمیق و مختصر، حضوری و تلفنی، یک نفره[23] و کانونی، و مصاحبه‌گر- محور و آزمودنی- محور[24] را دربرمی‌گیرد»* (دروین و فرنته، ۲۰۰۳، ص ۲۴۱). تأکید دروین بر روش مصاحبه، می‌تواند به دلیل قابلیت این روش در کاوش لایه‌های ذهنی و تجارب آزمودنی‌ها باشد. روش مصاحبه، به لحاظ درجه نظم‌یافتگی و ساختار درونی، به سه نوعِ ساختاریافته، نیمه ساختاریافته، و ساختارنیافته تقسیم می‌شود. چنانچه این سه روش را در امتداد یک پیوستار درنظر بگیریم، در آن صورت، به موازات کاسته شدن از درجه ساخت‌یافتگی مصاحبه، از میزان کمّیت پذیری آن نیز کاسته شده و بر وجه کیفی پژوهش افزوده می‌شود. مصاحبه‌های ساختاریافته که با محوریت مصاحبه‌گر[25] انجام می‌پذیرد، مشتمل بر پرسش‌هایی از پیش تعیین شده هستند که بر اساس نظم خاصی، از تمامی آزمودنی‌ها پرسیده می‌شوند. با این کار، تأثیرات عوامل مداخله‌گر، از جمله سوگرفتگی خود مصاحبه‌گر، بر نتایج پژوهش به حداقل می-

22. Foreman-Wernet
23 . one-on-one

۲۴ . روش مصاحبه‌گر-محور (Interviewer-administered) و آزمودنی- محور (self-administered) به ترتیب، جزو روش های کمّی و کیفی به حساب می آیند. در مصاحبه نوع اول، که به مصاحبه ساخت یافته نیز معروف است، سؤالاتی یکسان و بسته، با روالِ از پیش تعیین شده، از آزمودنی ها پرسیده می شود. در حالی که در روش نوع دوم، اختیار عمل به خود آزمودنی واگذار می شود تا مسیر مصاحبه و پاسخ های خود را آنگونه که خود می خواهد هدایت نماید.
25. Interviewer-administered

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

جدول ۳: گونه‌شناسی روش مطالعاتی دروین در تکوین مدل معناشناختی.

شیوه‌های مصاحبه	مختصات
جدول زمانی کوتاه‌لحظه	* بازسازی موقعیت توسط آزمودنی بر اساس آنچه که در آن روی داده است * توصیف جزئیات هر مرحله توسط آزمودنی * هدایت آزمودنی به سمت اجزای سه گانه مثلث معنابخشی (موقعیت، شکاف، استفاده)
جدول زمانی تلخیص‌شده	* تمرکز آزمودنی بر روی صرفاً یک مرحله، یا یک پرسش یا مانع. این روش مصاحبه، بیش تر در پژوهش هایی کاربرد دارد که در آن ها رفتارهای عادی و روزمره مورد مطالعه قرار می گیرند. در اینگونه موارد، نیازی به عمق و جزئیات روش قبلی نیست.
زنجیره کمک	* این رویکرد، معطوف به شناسایی نحوه ایجاد ارتباط از سوی آزمودنی با اطلاعات، نظام، یا ساختار و خویشتن است. در این روش، از آزمودنی خواسته می شود تا میان پاسخ های خود و پرسش پیوند برقرار نماید. پرسش از آزمودنی به این شکل مطرح می شود: کتابخانه، یا پایگاه اطلاعاتی و یا... به چه نحو به شما یاری رسانده است؟
پیغام / کیو- اینگ	در این روش، از آزمودنی خواسته می شود تا بر روی عناصر پیغامی که از مرحله تعریف شکاف یا عبور از شکاف دریافت داشته متمرکز شود

رسد. این نوع مصاحبه‌ها، در پیمایش‌ها کاربرد فراوان دارند و به نوعی، نسخه شفاهی پرسشنامه‌های مکتوب به حساب می‌آیند. در نقطه مقابل، مصاحبه ساختارنیافته قرارگرفته که در اصل، ریشه در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دارد، و به واسطه نادیده‌گرفتن کلیه الزامات روش ساختاریافته، از آن به عنوان یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی یادمی‌شود (چیلیسا[26]، ۲۰۱۲، صص ۲۰۶-۲۱۴). در متون مختلف، به جای عبارت مصاحبه ساختارنیافته، گاه از تعابیری همچون «مصاحبه محاوره‌ای غیررسمی»، «مصاحبه غیراستاندارد»، «مصاحبه عمیق»، و «مصاحبه قوم شناختی» بهره گرفته شده است. سؤال اینجا است که پژوهشگر چگونه از میان این دو روش دست به انتخاب می‌زند؟ به نظر می‌رسد دلیل دروین برای درپیش‌گرفتن رویکرد ترکیبی در مطالعات خود، پوشش‌دادن نقاط ضعف و قوت این روش‌ها بوده است. اما در حالت کلّی، تعیین ساختاریافتگی یا ساختارنیافتگی مصاحبه، بیش از هر چیز، به ماهیت پژوهش، میزان شناخت پژوهشگر از موضوع، و هستی‌شناسی پژوهشگر برمی‌گردد. برای مثال، دنزین[27] (۱۹۸۹، ص۱۰۲) معتقد است برای پی‌بردن به دنیای آزمودنی، پژوهشگر باید کار را از دریچه نگاهِ خود آزمودنی و بر اساس گفته‌های آزمودنی آغاز نماید.

۴- الگوی اطلاع‌یابی الیس (۱۹۸۹، ۱۹۹۳): نظریه زمینه‌ای

الگوی اطلاع‌یابی الیس، اول بار، در قالب طرح پایان‌نامه دکتری وی (الیس، ۱۹۸۷) در دانشگاه شفیلد، مطرح و به مورد اجرا نهاده شد. وی، دو سال بعد، در قالب دو مطالعه مختلف، الگوی اطلاع‌یابی خود را به مورد آزمون نهاد (رجوع کنید به الیس، ۱۹۸۹ الف و ۱۹۸۹ ب). الیس نیز با تأسی از ویلسون، حاکمیت رویکردهای کمّی انگارانه بر حوزه مطالعات کاربران را موردانتقاد قرارداده و معتقد است بکارگیری پرسشنامه‌های ساختاریافته و تحلیل‌های آماری، گرچه دیدی کلّی و کمّی در خصوص استفاده از اطلاعات به دست می‌دهند، اما برای داشتن تصویری قابل‌اعتماد از نحوه دریافت پژوهشگران از محیط اطلاعاتی‌شان کارایی ندارند (الیس، ۱۹۹۳). وی، آنگونه که خود در توضیحات مربوط به روش‌شناسی پژوهش‌های اطلاع‌یابی خویش اذعان داشته، به لحاظ روش نمونه‌گیری، از «*رویکرد نظریه زمینه‌ای گلیزر و استراوس*[28]»، و به لحاظ روشگردآوری اطلاعات موردنیاز، از دیدگاه مشاهده‌محور تام ویلسون، تأثیرپذیرفته است (همان، ۱۹۹۳). تام ویلسون معتقد بود که تمامی روش‌های گردآوری اطلاعات، به نوعی، زیرمجموعه روش مشاهده قرارمی‌گیرند. با این حال، وی، روش مشاهده غیرمستقیم (به شکل مصاحبه) را کارآمدتر از مشاهده مستقیم می‌دانست (ویلسون، ۱۹۹۰). الیس، بر اساس این دیدگاه، روش مصاحبه نیمه ساختاریافتهِ غیررسمی را در دستور کار قرار داد و برای طراحی آن نیز از «*راهنمای مصاحبه میشل پیتون*[29]»، بهره‌گرفت. این راهنما، ضمن آنکه سؤالاتی را که باید در خلال مصاحبه از آزمودنی‌ها پرسیده شود در اختیار مصاحبه‌گر قرارمی‌دهد، دست مصاحبه‌گر را نیز برای کنکاش و دقت‌نظرِ هر چه بیش‌تر در موضوع مورد بررسی بازمی‌گذارد (برای اطلاعات بیش‌تر در مورد این راهنما، رجوع کنید به پیتون، ۱۹۸۰). در پژوهش‌های کیفی،

26. Chilisa
31. Denzin

28. Glaser and Strauss's Grounded Theory Approach
29. Michael Patton's Interview Guide

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

در معنای عام، و در نظریه زمینه‌ای، در معنـای خـاص، حجـم زیادی از داده بر اثر ارتباط پیوسته پژوهشگر با آزمودنی حاصل می‌شود که نیازمند تحلیل است. الیس نیز، با توجه بـه کـاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های اطلاع‌یابی خود، از ایـن اصـل مستثنی نبـوده اسـت. در اصـل، کلیـه فراینـدهای تحلیـل در پژوهش‌های کیفی، مبتنی بر تحلیل محتوا است و این رویکرد در بحث نظریه زمینه‌ای، بر اساس روش پیشـنهادی گلیـزر و استراوس ، یعنی روش مقایسه‌ای مستمر[30]، صورت می‌پـذیرد در این روش، پژوهشگر، در جریان یک تـلاش مسـتمر، داده-های گردآوری‌شده را بـرای مقولـه‌بنـدی و مقایسـه آن‌هـا بـا یکدیگر، موردتحلیل قرارمی‌دهد تا در نهایت، پـس از رسـیدن داده‌ها به حد اشباع، نظریه نهـایی را صـورت‌بنـدی و تکـوین نماید (گلیزر و استراوس، ۱۹۶۷، صـص ۱۰۱– ۱۱۵). مراحـل (یا به تعبیر الیس، خصیصه‌های) شش‌گانه الگوی اطـلاع‌یـابی الیس، در واقع همان مقوله‌هـای هسـته‌ای هسـتند کـه از دل مقایسه مستمرِ ویژگی‌های هر مقوله، در جریان پژوهش کیفی الیس بر روی پژوهشگران علوم اجتماعی، حاصل آمده است.

از دید ویلسون، مهم‌ترین ویژگی الگوی الیس، به مانند الگوی کولثاو، ماهیـت تجربـی و آزمـون‌هـای تعقیبـی اسـت کـه در بافت‌های مختلف بر روی آن انجـام گرفتـه اسـت (ویلسـون، ۱۹۹۹).

مطالعات اطلاع‌یابی در ایران: پیمایش‌هـای مبتنـی بر پرسشنامه‌های ساخت‌یافته

آنگونه که از چهار الگوی اطلاع‌یابی بررسی‌شده در سطور قبل برمی‌آید، برای ارائه و پیاده‌سازی تمـامی آن‌هـا از روش‌هـای پژوهش ترکیبی یا به تعبیری، رویکردهای کمّی–کیفی، بهره-گرفته شده است. البته مقصود نگارندگان متن حاضر، به هـیچ وجه، اعلام حمایت از یک رویکرد علمی خاص نیست؛ بلکـه، مقصود اصلی مقاله حاضر، متوجه‌ساختن پژوهشگران ایرانی به ضرورت پرهیـز از آفـت‌هـای انحصـارطلبیِ روش‌شـناختی، و پیوسـتن بـه جریـان *«تنـوع روش‌شـناختی»* اسـت. برخـی نویسندگان در حوزه روش، با اتّکـاء بـه دیـدگاه‌هـای کـوهنی مبنی بر تغییر پارادایم‌های علمی و جایگزین‌شدن رویکردهای کیفی به جای کمّی، سعی در ایجاد تقابل میان این دو رویکرد دارند، در حالی که به زعـم نگارنـدگان مـتن حاضـر، ایـن دو رویکرد، نه جایگزین، که مکمّل یکدیگرند و در صورتی که به موقع و به جا بکارگرفته شوند مـی‌تواننـد اثـرات مطلـوبی بـر پیکره‌ی پژوهش‌های علمی و به تبع آن، بالابردن بروندادهای علمی کشور برجـای بگذارنـد. مطالعـه کربلاآقـایی و رضـایی شریف آبادی (۱۳۸۸) با موضوع بررسـی پـژوهش‌هـای رفتـار اطلاع‌یابی در ایران طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸، نشـان داد که ۸۵ درصد از پژوهش‌های اطـلاع‌یـابی در ایـران بـه روش پیمایشی و بیش از ۹۶ درصـد آن‌هـا نیـز بـا اسـتفاده از ابـزار پرسشنامه صورت پذیرفته است. بـه بیـانی دیگـر، از بـین ۵۷ مقاله علمی پژوهشی انتشاریافته در یـک بـازه زمـانی سـیزده ساله، ۵۵ مورد آن‌ها بـا ابـزار پرسشـنامه بـه انجـام رسـیده و پـژوهش‌هـای ایـن حـوزه‌ی مطالعـاتی، بـه لحـاظ روش‌شناختی، هیچگونه تغییری را در خلال سال‌هـای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۸ شاهد نبوده است. این در حالی است کـه یافتـه‌هـای بررسی اعظمی و داورپناه (۱۳۹۲)، بر روی متـون و مطالعـات انجام‌شده در زمینه نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی در ایـران، بر نتایج پژوهش قبلی در خصـوص انحصـار روش پیمـایش و استفاده از ابزار پرسشنامه صحّه مـی‌گـذارد. احمـدی و یـاری (۱۳۹۳) در قالب مطالعه‌ای مروری بر روی کلیه متون اطلاع-یابی ایران (اعم از کتاب،پایان‌نامه و مقالـه) بـه نتـایج قابـل-توجهی در این زمینه دست‌یافتند: اول اینکـه، پایـان‌نامـه‌هـا و طرح‌های انجام شده در این حوزه، در اکثر مواقع، الگـوبرداری از آثار قبلی بوده و تنها جامعه آماری پژوهش تغییریافته است؛ نکتـه دوم آنکـه، بـیش از ۹۰ درصـد از پـژوهش‌هـای حـوزه اطلاع‌یابی از نوع کاربردی بـوده و بـه روش پیمایشـی انجـام شده‌اند. این در حالی است که مطالعات مروری انجام شـده در مورد خارج از کشور در زمینه پژوهش‌هـای اطـلاع یـابی، بـه لحاظ روش‌شناختی، تا حدود زیادی با مطالعات ایران متفـاوت است.

داورپنـاه و اعظمـی (۱۳۸۹)، در مطالعـه‌ای بـا موضـوع مـرور مطالعـات انجـام‌شـده در جهـان بـر روی رفتـار اطـلاع‌یـابی پرستاران، دریافتند که در پژوهش‌های موردبررسـی، از روش-های پژوهش مختلف با جامعه‌های آمـاری گونـاگون و حجـم نمونه متفاوت برای ارزیابی رفتار اطلاع‌یابی پرستاران اسـتفاده شده؛ ضمن آنکه، رویکرد غالب تحقیق، با ۱۴ مورد فراوانی، به رویکرد کیفی اختصاص یافته است. در واقع، پژوهشگران رفتار اطلاع‌یابی پرستاران به این واقعیت پی‌برده‌اند کـه پیچیـدگی-

30. Constant Comparative Method

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

هـای رفتارهـای انسـانی ایجـاب مـی‌کنـد کـه از روش‌هـای گوناگون کمّی و کیفی برای این منظور بهره‌گرفته شود. اکنون نتایج این مطالعات مروری در ایران را مقایسه کنید با مطالعه‌ای که دونالد کیس به روشـی تقریبـاً مشـابه بـر روی متـون اطلاع‌یابی خارج از کشور صورت داده است:

کیس (۱۳۹۳)، در قالب کتـابی جـامع کـه بـه عنـوان کتـاب برگزیـده انجمـن علـوم و فنـاوری اطلاعـات در سـال ۲۰۰۲ شناخته‌شده[۳۱]، مطالعات صورت‌گرفتـه در زمینـه اطـلاع‌یـابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی را مورد بررسی و تحلیـل قرار داده است. وی در فصـل نهـم کتـاب (صـفحات ۳۵۸ تـا ۳۵۹)، در قالب یک جدول، بیش از ده روش پژوهش مختلـف را با شاهد مثال مورد اشاره قـرارداده کـه پژوهشـگران رفتـار اطلاع‌یابی، طی سال‌های مختلف، از آن‌ها برای کسـب نتـایج خود بهره برده‌اند که روش پیمایش، تنها یکی از آن‌هـا اسـت. وی، در جایی دیگر از کتاب خود، هدف از نگارش این فصل از کتاب را ابتدا، معرفی روش‌هـای مختلـف بکارگرفتـه شـده در مطالعات اطلاع‌یابی، و در وهله دوم، نشان‌دادن نقاط ضـعف و قوت روش‌های علمی مختلـف عنـوان داشـته اسـت (کـیس، ۱۳۹۳، ص ۴۳۶). هـر چنـد کـه کـیس در مـتن کتـاب، بـه صراحت، از غالـب‌بـودن روش پیمـایش در بـین دیگـر انـواع پژوهش‌های صورت‌گرفته در حـوزه رفتـار اطـلاع‌یـابی پـرده برمی‌دارد (همان، ص۳۵۷)، امـا واقعیـت ایـن اسـت کـه ایـن حاکمیت، پژوهشگران اطلاع یابی را از توجه بـه دیگـر انـواع روش‌های پژوهش، به ویژه بهـره‌گیـری از روش‌هـای کیفـی همچون مصاحبه و مشاهده، بازنداشته است.

فقدان تنوع روش‌شناختی در پژوهش‌هـای داخلـی این حوزه: دلایل و پیشنهادها

پیش از واردشدن به بحث مربوط به دلایل فقدان عدم بهـره‌گیری پژوهشگران از روش‌های علمی متنـوع در ایـران، بایـد این نکته را خاطرنشـان سـاخت کـه هـدف از عبـارت *«تنـوع روش‌شـناختی»*، صـرفاً، ترغیـب پژوهشـگران بـه اسـتفاده از روش‌های پژوهش ترکیبـی، بـه معنـای یـک پـارادایم جدیـد روش‌شناختی نیست. بلکه هدف اصلی، تأکیـد بـر ایـن نکتـه است که می‌توان نقاطضعف یـک روش پـژوهش را از طریـق نقاطقوت روشی دیگر، در مواقعی که محتوای پژوهش اقتضاء می‌کند، مرتفع ساخت. البتـه لازمـه ایـن کـار شـناخت کـافی پژوهشگر از نقاط ضعف و قوت هر روش است کـه در بخـش مربوط به گونه‌شناسی روش‌های پـژوهش، بـه تفصـیل از آن سخن خواهد رفت. به طور کلی، طرفداران رویکرد اسـتفاده از روش‌های علمیِ چندگانـه، قائـل بـه اصـل *«زاویـه‌بنـدی*[۳۲]*»* هستند. این اصطلاح، که در اصل، کارشناسـان ارزیـابی از آن، برای شناسایی منبع علائم رادیویی بهره‌مـی‌گیرنـد، در دنیـای مطالعات روش، نخستین بار در مقاله ای از کمپل و فیسـک[۳۳] (۱۹۵۹) مطرح شد و مقصود از آن این است که برای شـناخت یک پدیده یا ویژگی‌های آن، بهتر است از بیش از یـک روش برای افزایش اعتبار و اطمینان استفاده نمود. ایـن دو در واقـع، اولین افرادی هستند کـه بـر ضـرورت اسـتفاده از روش‌هـای پژوهش‌های چندگانه تأکید ورزیدند. در این رویکرد، به روش‌های پژوهش کمّی و کیفی، نه به عنوان پارادایم‌هـای رقیـب، که به عنوان رویکردهای مکمّل نگریسته مـی‌شـود. دنـزین[۳۴] (۱۹۷۸، ص ۲۹۱)، از زاویه‌بندی، تحت عنوان *«ترکیب روش‌های پژوهش مختلف جهت مطالعه پدیده‌ای واحد»* یـادنموده است. با این حال، دیدگاه مقاله حاضـر در خصـوص ضـرورت تنوع روش‌شناختی، تا حدودی با اصل زاویه‌بنـدی، در معنـای استفاده همزمان از روش‌های کمـی و کیفـی، متفـاوت اسـت. تنوع روش‌شناختی، صرفاً به معنای استفاده همزمان از روش‌های کمی و کیفی در یک مطالعه واحد نیست، بلکه این تنـوع حتی می‌تواند به شکل استفاده پژوهشگر از روش‌هـای کمّـی مختلف در قالب یک مطالعه واحد، یا، استفاده از انواع مختلـف یـک روش پـژوهش خـاص (بـه عنـوان مثـال، اسـتفاده از پیمایش‌های طولی به جای پیمایش‌های مقطعی) متبلـورگردد. آنگونه که تشکری و تدلی[۳۵] (۱۹۹۸، ص ۴۲- ۴۳) نیز عنوان‌داشته‌اند، با روش‌های علمـی مختلـف مـی‌تـوان جنبـه‌هـای مختلفی از یک پرسش پژوهشی را مورد بررسی قرارداد. یـک روش علمی، دروندادهایی متناسب با کاربرد سایر روش‌هـا بـه دست می‌دهد؛ و استفاده از روش‌های مختلف، باعـث افـزایش گستره فعالیت علمی می‌گردد. واقعیت این است که «نباید بـه

[۳۱] . کیس، دونالد (۱۳۹۳). جست و جوی اطلاعا□، برر□ی تحقیقا□ درباره اطلاع‌یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی؛ ترجمه زاهد بیگدلی و دیگران. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

36. Triangulation
33. Campbell & Fiske
34. Denzin
35 . Tashakkori & Teddlie

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

روش‌های علوم اجتماعی به دید گزینه‌هایی مانعه الجمع، که به ناچار باید از میان آن‌ها دست به انتخاب زد، نگریست... شاید روش‌های انفرادی، ناقص باشند؛ اما خوشبختانه، نواقص آن‌ها همسان نیستند... تنوع کاستی‌ها، این امکان را فراهم می‌آورد تا برای جبران آن‌ها، روش‌های مختلف را با یکدیگر ترکیب ساخت» (برور و هانتر[۴۰]، ۱۹۸۹، ص ۱۶-۱۷).

در متون علمی روش پژوهش کتابداری ایران، بعضاً به شکلی جسته و گریخته، به آفت‌ها و آسیب‌های پژوهش در ایران اشاره شده است که به نوعی ماحصل تجارب و مشاهدات نویسنده (گان) می‌باشد. برای مثال، حری و دیگران (۱۳۸۸) با توجه به اهمیت موضوع روش‌شناسی پژوهش، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این مقوله در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی را در قالب نشستی تخصصی با حضور برخی از اساتید و صاحبنظران رشته به بحث نهادند. مدگرایی، حاکمیت رویکردهای اثبات‌گرایانه، فقدان آموزش‌های لازم در زمینه مسئله‌یابی و دیدگاه سنتی اساتید نسبت به روش پژوهش از جمله چالش‌هایی است که در طول نشست مورد تأکید قرارگرفت. فدایی (۱۳۹۲) نیز در سرسخن نشریه *«تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی»*، ۱۷ نوع آفت را برای پژوهش برشمارده که از آن جمله می‌توان به تقلیدگرایی، تازه-گرایی، آمارگرایی و بیگانه‌گرایی اشاره نمود. نگارندگان بر این باورند که بخشی از معضل فقدان تنوع روش‌شناختی در مطالعات اطلاع‌یابی ایران را می‌توان منبعث از عوامل زیر دانست که در کتاب زوستاک (۲۰۰۴) نیز با بیانی دیگر به بخشی از آن‌ها اشاره شده است:

۱- عدم شناخت وافی و کافی پژوهشگران از نقاط ضعف و قوت روش‌های مختلف علمی

۲- عدم دراختیارداشتن فرصت کافی برای اجرای طرح‌های تحقیقاتی طولانی‌مدت

۳- عدم حمایت مالی مراکز آموزشی از طرح‌های تحقیقاتی بنیادین در حوزه رفتار اطلاع‌یابی به مانند آنچه که در خارج از کشور در حال انجام است

۴- فقدان مراکز تحقیقاتی تخصصی در زمینه رفتار اطلاع‌یابی

۵- عدم تأکید استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها بر لزوم بکارگیری روش‌های علمی مختلف در حین ارائه طرح-های پیشنهادی پایان‌نامه‌ها از سوی دانشجویان تحصیلات تکمیلی

۶- نگرانی پژوهشگران در خصوص امکان عدم پذیرش مقالاتی که با روش‌های غیرمعمول به انجام می‌رسند

۷- عدم تدریس جامع روش‌های پژوهش کیفی در سطح تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها

۸- حاکمیت کمی‌گرایی مفرط بر پیکره ساختار علمی کشور و به تبع آن، تلاش استادان و پژوهشگران برای ارائه خلق و ارائه بروندادهای علمی در سریع‌ترین زمان ممکن

۹- نگرانی بیش از حدّ پژوهشگران در خصوص تعمیم‌پذیری نتایج تحقیقات خود

پیشنهادها

۱. بهره‌گیری از گونه‌شناسی روش‌های پژوهش

زمانی که مسئله پژوهش برای پژوهشگر روشن شد، نوبت به انتخاب بهترین (و نه لزوماً ساده‌ترین) روش برای یافتن پاسخ می‌رسد. در واقع، این مسئله پژوهش است که نوع روش مورد نیاز را تعیین می‌نماید. در این مرحله، پژوهشگر می‌تواند از طریق مراجعه به گونه‌شناسی روش‌های پژوهش، ضمن کسب شناخت بیش‌تر از نقاط ضعف و قوت هر روش، در خصوص انتخاب نهایی خود اطمینان حاصل نماید. این پیشنهاد در واقع مشکل عدم شناخت وافی و کافی پژوهشگران از نقاط ضعف و قوت روش‌های مختلف علمی را مورد پوشش قرار می‌دهد. البته این موضوع در بین پژوهشگران ایرانی، چه در سطح طراحی و چه در سطح استفاده، چندان با اقبال همراه نبوده و جای خالی آن در سرفصل دروس روش تحقیق ایران احساس می شود.

گونه‌شناسی روش‌های علمی، مستلزم برخورداری از یک نظام جامع طبقه‌بندی است و اینجا است که جمله معروف جان دیویی که *«همه دانش در طبقه‌بندی خلاصه می شود[۴۱]»* بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند. نکته اینجا است که گونه-شناسی روش‌های پژوهش با کتب روش تحقیق متفاوت است. فنون تحقیق را می‌توان به راحتی با خواندن چند کتاب روش تحقیق آموخت (کیوی و کامپنهود،۱۳۷۳: به نقل از حیاتی،

40. Brewer and Hunter

42. All Knowledge is Classification

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

۱۳۸۸)؛ در حالی که با خواندن چند کتاب نمی‌توان روش-شناس شد. یک روش‌شناس، درک مناسبی از نقاط ضعف و قوت هر روش داشته و به کاربردپذیری هر یک از آن‌ها وقوف کامل دارد. بایلی[۳۸] (۱۹۹۴، ص ۲)، گونه‌شناسی را نوعی طبقه‌بندی، با ماهیت چندوجهی و مفهومی تعریف می‌کند. وی چندین مزیت را برای گونه‌شناسی برمی‌شمارد: به دانشمندان امکان می‌دهد تا محل قرارگرفتن یک طبقه خاص را در امتداد هر یک از ابعاد تشخیص دهند. دانشمندان می‌توانند ببینند که کدامین طبقات، دارای بیش‌ترین تفاوت، و کدامین طبقات دارای بیش‌ترین سطح شباهت هستند (موضوعی که در تحلیل‌های جدید پزشکی خیلی حائز اهمیت است). همچنین، دانشمندان می‌توانند در خصوص جامعیت طبقه‌بندی خود اطمینان حاصل‌نموده و بر این اساس، فهرستی فراهم‌آورند که به موجب آن «در تمامی احوال، بدانند کدامین گونه‌ها یا طبقات، برای تحلیل، قابل‌دسترس‌اند» (همان، ص ۱۲). از طریق گونه‌شناسی روش‌ها می‌توان به راحتی، شکاف میان پژوهش‌های فعلی، و همینطور، نیازهای پژوهشی آتی را شناسایی نمود و راه را برای توسعه روش‌های پژوهشی جدید هموارساخت (دورانت[۳۹]، ۲۰۰۴).

در بحث طراحی گونه‌شناسی روش‌های علمی، چند نکته قابل‌تأمل وجود دارد: اول اینکه، گونه‌شناسی واحد و منحصر به فردی که بتوان در تمامی کارها به آن تکیه نمود وجود ندارد؛ دوم آنکه، ماهیت گونه‌شناسی‌ها ممکن است، بسته به اینکه با چه رویکردی و از چه زاویه‌ای طراحی‌شده باشند، متفاوت باشد؛ و نکته آخر آنکه، هر یک از رشته‌های علمی می‌توانند بر حسب اقتضاء، گونه‌شناسی خاص خود را تدوین نمایند.

گاهی، گونه‌شناسی روش‌های علمی، به شکل تحلیلی تدوین می‌یابد. در این حالت، قابلیت‌های هر روش علمی، بر حسب معیارهایی ازپیش‌تعیین‌شده، مورد تحلیل و طبقه‌بندی قرارمی-گیرد. گونه‌شناسی زوستاک[۴۰] (۲۰۰۴) در این دسته قرارمی-گیرد. وی، در فصل ۴ کتاب طبقه‌بندی علم خود (ص ۱۳۸)، ده معیار را برای طراحی گونه‌شناسی نقاط‌ضعف و قوت روش-های علمی برشمرده است: ۱) نوع عاملیت‌ها (اعم از ارادی یا غیرارادی)؛ ۲) تعداد آزمودنی‌ها؛ ۳) نوع علّیت (شامل منفعلانه، کنش‌ها و نگرش‌ها)؛ ۴) معیارهای چهارگانهِ شناسایی روابط علّی (همبستگی، ترتیب زمانی، تقابل مدارک و فرضیه‌های جایگزین، و متغیرهای مداخله‌گر)؛ ۵) فرایندهای تصمیم‌گیری؛ ۶) پدیده‌ها و فرایندهای خارج از محدوده نظریه‌های خاص؛ ۷) تقابل روابط یکّه‌انگارانه و چندانگارانه؛ ۸) وضعیت مکانی[۴۱] (آیا روش مذکور امکان مطالعه در خلال جا به جایی مکانی را فراهم می‌آورد؛ ۹) تغییرات در طول زمان (با تأکید بر اینکه آیا سطح پوششی که از طریق روش مذکور فراهم می‌آید، حالت ایستا دارد یا پیوسته)؛ ۱۰) مسیرهای زمانیِ مختلف.

به هر روی، رویکرد طراحان گونه‌شناسی‌های روش هر چه که باشد، آنچه بیش از هر عامل دیگری در این بین مهم است، قابلیت این‌گونه ابزارها در کمک به پژوهشگران جهت انتخاب روش‌های پژوهش متناسب با شرایط موجود است.

۲. تدریس کاربردی روش‌شناسی پژوهش در سطح تحصیلات تکمیلی

«هیچیک از دروسی که [در مراکز آموزشی] تدریس می‌گردد، به اندازه درس روش تحقیق حائز اهمیت نیست» (سینگلتون و استریت[۴۲]، ۱۹۹۹، ص xv). این جمله، و جملاتی شبیه به این، زمانی می‌تواند از حصار یک جمله صِرف خارج‌شده و جنبه عملیاتی به خود بگیرد که گروه‌های آموزشی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران، آموزش روش‌های پژوهش پیشرفته را با محوریت جامه‌ی‌عمل‌پوشاندن به ایده «تنوع روش‌شناختی» در دستور کار قرار دهند. واقعیت این است که اکثر استادان قدیمی این رشته در ایران، پرورش‌یافته مکتب کمّی‌گرایی هستند و کمتر استادی را می‌توان در این حوزه سراغ‌گرفت که تجربه انجام پژوهش‌های کیفی یا دست کم ترکیبی را در کارنامه کاری خود داشته باشد. مطالعات کاربرمدار، همچون پژوهش‌های اطلاع‌یابی، از جمله مستعدترین حوزه‌ها برای اجرای روش‌های پژوهش چندگانه است و این مهم تنها از طریق آموزش فنون پیاده‌سازی روش-های علمی مختلف به دانشجویان امکان‌پذیر است. داشتن تبحر در زمینه روش‌های چندگانه، مستلزم آموزش است و گروه های علم اطلاعات و دانش‌شناسی باید به این نکته

43. Bailey
44. Durrant
45. Szostak

46. Spatiality
47. Singleton and Strait

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

اذعان نمایند که می‌توان توان پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی را از طریق دعوت از استادان گروه‌های علمی پیشگام در زمینه بکارگیری روش‌های علمی چندگانه، تقویت‌ساخت. بررسی‌های غیررسمی در سایت مجله «*تحقیقات کیفی در علوم سلامت*[۴۳]» حاکی از آن است که در حال حاضر، پژوهشگران حوزه سلامت (به ویژه پرستاری) جزو پیشگامان بکارگیری روش‌های علمی چندگانه در ایران به حساب می‌آیند که می‌توان از این ظرفیت در گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز بهره‌گرفت.

۳. سوق‌دادن پایان‌نامه‌های دکتری به سمت پژوهش‌های ترکیبی

دوره چهارساله دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی بهترین فرصت برای پیاده‌سازی طرح‌هایی است که در حالت عادی امکان پیاده‌سازی آن‌ها نیست. دانشگاه فرصت مغتنمی است برای اینکه بتوان فقدان مراکز تحقیقاتی تخصصی در حوزه مطالعات کاربرمدار را از طریق تأمین هزینه‌های مالی و ایجاد وقت کافی برای دانشجویان دکتری مرتفع‌نمود. خوشبختانه چندی است که در برخی از گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، از جمله دانشگاه شهید چمران اهواز، مسیر پایان‌نامه‌های دانشجویی، با هدایت استادان، به سمت بکارگیری روش‌های علمی متنوع سوق‌یافته که البته امید است این گرایش، صرفاً جنبه یک هیجان کاذب و زودگذر برای جانماندن از قافله‌ی مطالعات ترکیبی در خارج از کشور را نداشته باشد.

۴. راه‌اندازی مجلات تخصصی با رویکرد تنوع‌بخشیدن به روش‌های علمی

گرایش قابل‌توجه پژوهشگران ایرانی به مطالعات اطلاع‌یابی، حاکی از آن است که این حوزه‌ی مطالعاتی، از زیرساخت لازم برای بهره‌مندی از مجلات ویژه و تخصصی در زمینه نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی برخوردار است. اما چنانچه رویکرد راه‌اندازی چنین مجلاتی همچنان مبتنی بر پذیرش مقالات با محوریت کمّی‌گرایی باشد، در آن صورت، نمی‌توان انتظارداشت پژوهشگران این حوزه به سمت پیاده‌سازی روش‌های علمی متنوع و به نسبت کم‌اقبال، گرایش پیداکنند. تعداد مجلاتی که در خارج کشور اقدام به پذیرش مقالات علمی با محوریت روش‌های ترکیبی می‌نمایند رو به افزایش است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «مجله پژوهش های ترکیبی»، «کمّی و کیفی» و «روش‌های میدانی» اشاره داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

توضیحات ارائه‌شده در سطور قبل به خوبی حاکی از این واقعیت است که پژوهشگران ایرانی، در مطالعات اطلاع‌یابی خویش، از سنّت روش‌شناختی حاکم بر پژوهش‌های تأثیرگذار این حوزه، غافل بوده و رویکردی کلیشه‌ای (و گاه الگوبرداری صِرف از آثار دیگران) را در دستورکار قرارداده‌اند. نکته تناقض‌آمیز قضیه اینجا است که این بی‌اعتنایی، در شرایطی صورت می‌پذیرد که پژوهشگران ایرانی، بارها و بارها در بخش پیشینه مطالعات خود، به پژوهش‌های تأثیرگذار گذشته ارجاع می‌دهند بی‌آنکه اندک نگاهی به روش‌های بکارگرفته از سوی آن‌ها داشته باشند. از آنجا که استناد، غالباً به آثاری تعلق می‌گیرد که در خصوص اعتبار نتایج آن اطمینان حاصل شده باشد، بر حسب قاعده، انتظار این است که پژوهشگرانِ استناددهنده، علاوه بر نتایج و یافته‌ها، نیم نگاهی نیز به روش‌هایی که نتایج آن پژوهش‌ها را رقم زده، داشته باشند.

البته فقدان تنوع روش‌شناختی، صرفاً معطوف به کم‌توجهی به رویکردهای کیفی نبوده، و حتی در خود رویکردهای کمّی نیز، فقدان تنوع روش‌شناختی به خوبی در آثار انتشاریافته در این حوزه مشهود است. عدم بهره‌گیری وافی و کافی از مطالعات موردی، پیمایش‌های طولی، یا فراتحلیل شاهدی است بر این مدّعا. شاید به همین دلیل باشد که در برخی از محافل غیررسمی، از حوزه بسیار مهمی همچون اطلاع‌یابی، تحت عنوان موضوعی «نخ‌نماشده» و «تاریخ‌مصرف‌گذشته» یادمی‌شود؛ در حالی که اگر به دقت بنگریم، آنچه تاریخ مصرف آن گذشته، روش‌های یکنواخت و تکراری است که گویی با سرنوشت این‌گونه مطالعات در ایران پیوند خورده است. واقعیت این است که تمامی روش‌ها، در عین برخورداری از نقاط‌قوتِ مخصوص به خود، محدودیت‌های خاص خود را دارند. این واقعیت که روش‌های علمی را می‌توان بر اساس جنبه‌های متعدد از یکدیگر تمیز داد، خود حاکی از این واقعیت است که، ساحت علم باید از حاکمیت یک روش علمیِ واحد

۴۳. نشانی اینترنتی مجله: http://jqr.kmu.ac.ir/

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

مُبرّا باشد. مفروضی که می‌توان در این خصوص ارائه داد از این قرار است: چون هیچ روشی کامل نیست، دانشمندان باید برای توجیه گزاره‌های نظری خود، به دنبال روش‌های مختلف باشند؛ چرا که حقیقت (یا دست‌کم، آنچه که حقیقت پنداشته-می‌شود)، به تعبیر فیلسوف عملگرا، چارلز ساندرز پیرس، از تلاقی چشمه‌های مستقلی از مدارک مفید حاصل می‌شود (زوستاک، ۲۰۰۴، ص ۱۴۷).

نکته بسیار مهم دیگر،که همیشه هم مغفول مانده، توجه به این واقعیت است که در دل هر دیدگاه مخالفی، نکاتی قابل-تصدیق نهفته است. بنابراین، دانشمندان باید همیشه مراقب مَواضع افراطی باشند. زوستاک (۲۰۰۴، ص ۱۶)، ضمن اعلام حمایت از اصل «درون‌مایه حقیقت»، معتقد است که هر دیدگاهی که در یک دوره زمانی طولانی، مورد وثوق عده کثیری از افراد قرارگرفته، مایه‌هایی از حقیقت را در دل خود نهفته دارد. شکل بسط‌یافته چنین استدلالی در حالت منطقی، این است که به هنگام برخورد با دو دیدگاه مخالف در یک زمینه موضوعی واحد، که هر یک در طول زمان، طرفداران بسیاری را به دور خود گردآورده، باید این احتمال را داد که پاسخ صحیح، در جایی از هر دو نوع دیدگاه نهفته باشد. واقعیت این است که چنانچه پژوهشگری بخواهد روایی و پایایی را، به عنوان مهم‌ترین معیارهای ارزیابی نتایج یک پژوهش، همزمان در کار خود رعایت نماید، ناگزیر باید روش‌های علمی مختلف و چندگانه را در دستور کار قرار دهد (کیس، ۱۳۹۳، ص ۳۴۱).

به کمک مطالعه‌ی آثار نگاشته‌شده در زمینه روش و روش-شناسی‌های پژوهش در امتداد گستره وسیعی از رشته‌های علمی، می‌توان به شیوه‌ی استقرائی، به فهرستی از روش‌های علمی دست‌یافت و آن‌ها را به تناوب، در قالب پژوهش‌های مستقل، به بوته آزمایش نهاد تا میزان توانمندی آن‌ها در مطالعاتی همچون مطالعات کاربران به اثبات برسد.

تقدیر و تشکر

نگارندگان در طول انجام مطالعه حاضر، از راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد ارجمند جناب آقای دکتر زاهد بیگدلی بهره فراوان برده و خود را مرهون الطاف ایشان می‌دانند.

منابع

منابع فارسی

احمدی، حمید و یاری، شیوا (۱۳۹۳). مروری بر متون رفتار اطلاع یابی در ایران. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰ (۱)، ۱۷۳- ۱۹۷.

اعظمی، محمد و داورپناه، محمدرضا (۱۳۹۲). نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع یابی در ایران: بررسی متون و مطالعات انجام شده. مجله دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی کرمان؛ ۱ (۱)، ۶۵- ۷۹.

بادن، دیوید (۱۳۸۸). کاربران، مطالعات کاربرمدار، و رفتار اطلاعاتی انسان: نگاهی به بازتاب مقاله مطالعات کاربرمدار و نیازهای اطلاعاتی انسان اثر تام ویلسون در خلال سه دهه گذشته. ترجمه رضا مختارپور. کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۲ (۳)، ۱۸۶- ۲۰۳.

پاول، دونالد (۱۳۸۵). روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران. ترجمه نجلا حریری. تهران: آثار نفیس

حری، عباس و دیگران (۱۳۸۸). روش‌شناسی پژوهش در علوم کتابداری و اطلاع رسانی، چالش‌ها و راه‌کارها، کتاب ماه کلیات، بازیابی شده در ۱۳۹۴/۰۹/۲۷ از
http://www.ensani.ir/storage/Files/20120326164141-3039-460.pdf

حیاتی، زهیر (۱۳۸۸). نوشتاری در باب روش‌شناسی تحقیق. بازیابی شده در ۱۳۹۴/۰۶/۱۴ از
http://www.ensani.ir/storage/Files/20120326164142-3039-461.pdf.

داورپناه، محمدرضا و اعظمی، محمد (۱۳۹۰). نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی پرستاران: مروری بر مطالعات انجام شده در جهان. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، ۱۷ (۳)، ۴۲۷- ۴۵۳.

فدایی، غلامرضا (۱۳۹۲). آسیب‌های پژوهش، تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، ۱۹ (۲)، ۱۶۳-۱۶۸.

فیشر، کرن، اردلز، ساندا، مک‌کچنی، لین (۱۳۸۷). نظریه‌های رفتار اطلاعاتی. ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و دیگران.تهران: کتابدار.

کربلایی آقایی، معصومه ورضایی شریف آبادی، سعید (۱۳۸۸). بررسی پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی در ایران: مطالعه کتابسنجی. مجله کتابداری، ۴۳ (۵۰)، ۴۵-۶۹.

کیس، دونالد (۱۳۹۳). جست و جوی اطلاعات بررسی تحقیقات درباره اطلاع‌یابی، نیازهای اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی؛ ترجمه زاهد بیگدلی و دیگران. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

منابع لاتین

Bailey, K. D. (1994). Typologies and Taxonomies: an introduction to classification techniques, Sage, Thousand Oaks CA.

Brewer, J. & Hunter, A. (1989). Multimethod Research: a synthesis of styles. Sage, Newbury Park CA.

Campbell, D. T. & Fiske, D. W. (1959). Convergent and discriminant validation by the multitraitmultimethod matrix. Psycho logical Bulletin, 56, 81-105.

Chilisa, B. (2012). Indigenous research methodologies. Thousand Oaks, Calif.: SAGE Publications.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

Kuhlthau, c.c. (1988). Developing a Model of the Library Search Process: Cognitive and Affective Aspects, RQ, 28 (2), 232-242.

Kuhlthau, c.c. (1991). Inside the search process: information seeking from the user's perspective. Journal of the American Society for Information Science, 42 (5), 361-371.

Kuhlthau, c.c. (1993). A Principle of Uncertainty for Information Seeking, Journal of Documentation, 49(4), 339-355.

Odhiambo, F., Harrison, J. & Hepworth, M. (2003). The information needs of informal carers: An analysis of the use of the Micro - Moment Time Line Interview. Library and Information Research, 27 (86), 19-29.

Patton, M. Q. (1980). Qualitative Evaluation Methods. London: Sage.

Singleton, R.A., & Strait, B.C. (1999). Approaches to Social Research 3rd ed., Oxford University Press, New York.

Szostak, Rick (2004). Classifying Science, Phenomena, Data, Theory, Method, Practice. Netherlands: Springer.

Tashakkori, A., & Teddlie, C. (1998). Mixed Methodology: combining quantitative and qualitative approaches, Sage, Thousand Oaks CA.

Wildemuth, B. M. (2009). Applications of social research methods to questions in information and library science. Westport, CT: Libraries Unlimited.

Wilson, T.D. (1994). Information needs and uses: fifty years of progress? In: Vickery, B.C., ed. Fifty years of information progress: a Journal of Documentation review. London: Aslib, 15–51.

Wilson, T. D. (1981). On user studies and information needs. Journal of Documentation, 37(1), 3-15.

Wilson, T.D. & Streatfield, D.R. (1981b). Structured observation in the investigation of information needs. Social Science Information Studies, 1(3), 173–184.

Wilson, T.D. (1990). Object or Participant-the Information User in Information Research. Swedish Library Research, 3, 5-16.

Wilson, T.D. (1999). Models in information behavior research. Journal of Documentation, 55(3), 249-270.

Wilson, T.D. (2000). Human Information Behavior. Informing Science, 3 (2), 49-56.

Wilson, T.D. (2002). Information science and research methods. Retrieved September 20 2015 from http://www.informationr.net/tdw/publ/papers/slovak02.html.

Wilson, T.D. (2005). Evolution in information behaviour modelling: Wilson's model, in Fisher, K.E., Erdelez, S. and McKechnie, L. (Eds), Theories of Information Behaviour,InformationToday, Medford, NJ, pp. 31-6

Denzin, N. K. (1978). The Research Act, 2d Ed. New York: McGraw-Hill.

Denzin, N. K. (1989). The sociological interview. In The Research Act: A Theoretical Introduction to Sociological Methods (pp. 102–120). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Dervin, B. & Frenette, M. (2003). Sense-Making Methodology: Communi-cating Communicatively with Campaign Audiences. Public communication campaigns, 69- 87.

Dervin, B. (1983). An overview of sense-making research: concepts, methods and results to date. International Communications Association Annual Meeting, Dallas, Texas.

Dervin, B. (1992). From the mind's eye of the user: The sense-making quali-tative-quantitative methodology. In J.D. Glazier and R.R. Powell (Eds.), Qualitative research in information management, Englewood, CO: Librar-ies Unlimited.

Durrant, G. B. (2004). A Typology of Research Methods Within the Social Sciences. Retrieved September 20 2015 from http://eprints.ncrm.ac.uk/115/1/NCRMResearchMethodsTypology.pdf

Ellis, D. (1987).The Derivation of a Behavioural Model for Information Retrieval Sys-tem Design. Ph.D. thesis, University of Sheffield Department of Information Studies-Sheffield.

Ellis, D. (1989a). A Behavioral Approach to Information Retrieval System Design. Journal of Documentation, 45, 171-212.

Ellis, D. (1989b). A Behavioral Model for Information Retrieval System Design. Journal of Information Science, 15, 237-47.

Ellis, D. (1993). Modeling the Information-Seeking Patterns of Academic Researchers: A Grounded Theory Approach. Library Quarterly, 63 (4), 469-486.

Foreman-Wernet, L. (2003). Rethinking Communication: Introducing the Sense-Making Methodology. In B. Dervin and L. Foreman-Wernet with E. Lauterbach (Eds.). Sense-Making methodology reader: Selected writings of Brenda Dervin (Chapter 1, pp. 3-16). Cresskill, NJ: Hampton Press.

Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research. New York: Aldine.

Julien, H. (1997). A content analysis of the recent information needs and uses literature. Library & Information Science Research, 18 (1), 53-65.

Julien, H., & Duggan, L. J. (2000). A longitudinal analysis of the information needs and uses literature. Library & information science research, 22 (3), 291-309.

Julien, H., Pecoskie, J. J., & Reed, K. (2011). Trends in information behavior research, 1999–2008: A content analysis. Library & Information Science Research, 33(1), 19-24.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

Wilson, T.D. and Streadfield, D.R. (1977). Information Needs in Local Authority Social Services Departments: An Interim Report On Project INISS, Journal of Documentation, 33 (4), 277-293.

Wilson, T.D. and Walsh, C. (1966). Information behaviour: an interdisciplinary perspective. Sheffield: University of Sheffield Department of Information Studies.

(ASIST Monograph Series).

Wilson, T.D. (2010). Fifty Years of Information Behavior Research. Bulletin of the American Society for Information Science and Technology 36(3).

Wilson, T.D. and Streadfield, D.R (1979). Information Needs in Local Authority Social Services Departments: A Second Report On Project INISS, Journal of Documentation, 35 (2), 120-136.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]

Human Information Interaction. Vol. 2, No. 3
http://hii.khu.ac.ir
Original Article

Comparative Study of Methodological Approach to Models and studies of Information Seeking Behavior of Iranian Researchers

Reza Mokhtarpour, (Corresponding author) PhD Student of LIS, Shahid Chamran University. Ahvaz, Iran. rezamokhtarpour@gmail.com
Maryam Keshvari, PhD Student of LIS, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

Abstract
Background and Aim: The aim of this article is to revise the methodological status of some of the most prominent studies and models in the field of Information Seeking Behavior in order to provide Iranian researchers with a brief comparative perception of the field.
Method: A literature review approach is applied to identify the research methods and historical origins of each study related to the realm of ISB.
Results: Research studies suggest that Iranian researchers - in their information seeking endeavors - have been unaware of the methodological tradition of the most prominent studies in this capacity, which are mainly based on the principle of methodological diversity and most of time have been imitating the methodological approach of other researchers in a stereotyped manner.
Conclusion: By deliberating the books written on the subject of study and research methodologies across a wide range of scientific disciplines, one can in a deductive manner, grasp a list of scientific methods in the form of independent researches to test the extent of their capabilities. The main Key to current problems is methodological diversity.

Keywords: Information Seeking Behavior, Research Methodology, User Studies, ISB Models, Methodological Diversity

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1394.2.3.5.6]